



آفت و هر گونه زخم دهانی در متون پزشکی کهن

پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، فصل نامه اسناد و مطبوعات و متون، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، سال دوم، ویژه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۸۹ خ، ۱۴ برکه، ۹۵۰ - ۹۶۳

محمد ابراهیم ذاکر

دندان پزشکی و پژوهشگر تاریخ پزشکی

۱.....	آفت و هر گونه زخم دهانی در متون پزشکی کهن
۱.....	بررسی آفت و برفک از دیدگاه رازی و تبری
۲.....	قُلاع
۳.....	گونه‌های قلاع
۴.....	آفت سپید و درمان از دیدگاه رازی
۵.....	آفت سپید و درمان از دیدگاه ابوالحسن تبری
۶.....	آفت و برفک سرخ از دیدگاه رازی
۷.....	آفت و برفک سرخ از دیدگاه تبری
۸.....	آفت و برفک سیاه از دیدگاه رازی
۹.....	آفت و برفک سیاه از دیدگاه تبری
۱۲.....	زخم‌های دهانی
۱۲.....	زخم‌های دردناک دهانی
۱۲.....	زخم‌های چرکین دهانی
۱۳.....	خوره دهانی
۱۶.....	داروهای تکی کاربردی در درمان آفت و برفک دهان
۱۷.....	رگ‌زنی (فصد) و بادکش‌گذاری (حجامت)
۱۷.....	درمان‌های فراگیر
۱۹.....	کتاب‌نامه
۱۹.....	نمایه کتاب و مقاله

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون پزشکی کهن

پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، فصل نامه اسناد و مطبوعات و متون، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، سال دوم، ویژه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۸۹ خ، ۱۴ برگه، ۹۵۰-۹۶۳.

بررسی آفت و برفک از دیدگاه رازی و تبری

رازی، ابوبکر محمد فرزند زکریا فرزند یحیا (۲۵۱-۳۱۳ق) در کتاب الحاوی فی الطب، المنصوری فی الطب و التقسیم و التشجیر؛ یا التقاسیم العلل و ابوالحسن احمد فرزند محمد تبری (ز: ۳۵۹ق)^۱ در کتاب المعالجات البقراتیة به گستردگی درباره بیماری‌های دهان و دندان به گستردگی گفتگو کرده‌اند، به گونه‌ای رازی کتاب سوم الحاوی فی الطب خود را ویژه بیماری‌های گوش و بینی و دهان قرار می‌دهد و دوسوم آن را ویژه بیماری‌های دهان و دندان و هرگونه آسیب وارد شده به بافت‌های نرم و سخت دهان می‌گذارد. هر دو اندیشمند به گستردگی به گزاره کردن کامل نشانه‌های تک تک هر کدام این بیماری‌های می‌پردازند.

رازی تیتیریک بخش از این کتاب را بدین گونه می‌نگارد: دانستنی‌هایی در باره زخم‌های دهانی تا مرز گلو، آزدگی‌های لثه، برفک و آفت (قلاع)، خون‌برآمدن‌های دهانی (نفث الدم) و آماس‌های پدید آمده در بافت‌های دهان، خوره، سوزه و آسیب‌های دیگر دهانی^۲.

^۱ ابوالحسن تبری احمد فرزند محمد (ز: ۳۵۹ق)، فرزانه‌ای از سرزمین تبرستان و پزشک ویژه رکن الدوله (۳۲۰-۳۶۶ق / ۹۳۲-۹۷۶م) بود. کُنش و مجموعه‌ای پر آوازه به نام معالجات البقراتیة دارد که از برترین و ارزشمندترین کتاب‌های پزشکی است که گزاره‌ای فراگیر از بیماری‌ها و درمانشان را یاد کرده است و دارای چندین مقاله می‌باشد (عیون، ج ۲، ۳۶۱؛ عیون برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۱۰). وی با علی فرزند عباس مجوسی اهوازی از پرورش‌یافتگان مکتب ابوماهر موسی فرزند یوسف، ابن‌سیار است. گمان می‌رود در ۳۷۵ق / ۹۸۵م چشم از جهان فرو بسته باشد. اوراست: رساله فی ذکر القارورة، و علاج الأطفال، و مقالة فی طب العین، و کتاب الفصد است (تاریخ نگارش‌ها، ۴۳۴).

^۲ الحاوی، رازی، دکن، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۶؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۱.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

Thrush aphtha برفک و آفت دهانی

رازی در بارهٔ برفک و آفت دهان گوید: زخم‌هایی هستند که بر روی پوشش درونی دهان پدید می‌آیند، نشانهٔ آن بالارفتن دمای تن می‌باشد که بیشتر در دهان کودکان (قُلاع الاطفال: *Infantile thrush; infantile aphtha*) روی می‌دهد، به ویژه اگر شیر نوشیده شدهٔ ایشان از گونهٔ پست باشد؛ و یا ماهیچه‌های دهانشان نرمی همیشگی خود را نداشته باشند.

آفت گونه‌ای بیماری است که درمانی آسان دارد، می‌توان آن را با داروهای بندآورندهٔ میانه، و سبک درمان کرد و آن‌ها را فرونشاند. گاهی دورهٔ بیماری آن به درازا کشیده می‌شود که به خوره‌شدن می‌انجامد، پس درمانش سخت می‌گردد و درمانگر نیاز به داروهای نیرومندتری برای درمان آن خواهد شد^۱.

زخم‌های با نموری اندک، شانس بدخیم را کمتر دارند و با داروهایی که دارای اندکی ویژگی خشک‌کنندگی هستند، درمان می‌شوند، آن‌ها داروهایی‌اند که از توث و میوهٔ علیق و افشرهٔ پوست گردوی تازه به دست می‌آید. از این‌ها کارآمدتر دارویی برگرفته از افشرهٔ انگور و گردوی درخت سرو است.

زخم‌هایی که نموری بیشتر دارند، نزدیک استخوان هستند و دور نیست، آسیبی به استخوان برسانند و آن را تباه سازند در این جا به جهت سرشت خشک استخوان‌ها، برای درمانشان نیاز به داروهای خشک‌کنندهٔ بسیار بالا دارند. من (رازی) در چنین هنگامی قرص «موساس» را می‌سایم و بر روی جاهای خشک‌شده می‌گذارم.

کودکانی که گرفتار آفت هستند، ولی توانایی خوردن خوراک را یافتند، عدس را با اندکی و مغز استخوان گوزن و گوساله و به و سیب و زعرور (زالزالک) و عنز^۲ می‌دهیم.

اگر کودک برافروختگی، تب و التهاب نیز داشته باشد در شوربای او کاسنی می‌افزایم و به او می‌دهیم.

^۱ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹. سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۳.

^۲ جرجانی در ذخیره گوید: سرگین خشک‌شدهٔ بز دست‌آموز، خشک‌کنندهٔ همهٔ زخم‌هاست

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

کودکانی که هنوز توان خوردن خوراکی‌ها را ندارند و شیرخوارند و آفت دهانشان به سرخی می‌زند، در آغاز بیماری داروهای مالیدنی دارای ویژگی بندآورندگی را بر روی تن ایشان می‌مالیم و بیشتر آن‌ها را سرد می‌کنیم، سپس داروهای آب‌کننده^۱ بی‌گزندگی را به ایشان می‌دهیم.

آفتی که تازه پیدا شده را با آب غوره و سماق ساییده‌شده در شراب، درمان می‌کنیم.

برخی از پیشینیان گفته‌اند: نباید به کودکان گرفتار برفک و آفت خوراکی‌های شور و ترش و بندآورنده (قابض) خوراند^۱.

گونه‌های قلاع

آفت و برفک ساده؛ (نک: حاوی)

آفت و برفک سپید؛ (نک: حاوی؛ منصوری؛ تقاسیم؛ معالجات)

آفت و برفک زرد؛ (نک: حاوی)

آفت تیره رنگ؛ (نک: حاوی)

آفت سبز؛ (نک: حاوی)

آفت و برفک سرخ (خونی)؛ (نک: حاوی؛ منصوری؛ تقاسیم؛ معالجات)

آفت و برفک سیاه؛ (نک: حاوی؛ منصوری؛ معالجات)

آفت و برفک بدخیم (گودافتاده)؛ (نک: حاوی)

خوره دهانی؛ (نک: حاوی؛ معالجات)

زخم‌های دردناک دهانی؛ (نک: حاوی؛ معالجات)

چنانچه گونه‌های بسیار زیاد آن شناخته شود و از سوی دیگر اگر به ارزش و توانایی داروها و کارآمدی و پیامدهای هر دارو در هر تن؛ و یا هر اندام پی برده شود، دانسته خواهد شد که با کاربرد کدام یک از داروها به درمان زودتر و بهتری می‌توان دست یافت.

^۱ الحاوی، دکن، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹ - ۲۱۰. سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۱.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

سرایبون (د: ۲۵۰ ق / ۸۶۴م)^۱ گوید: افزایش تراوش آب دهان نشانه درد سخت و آفت و برفک بسیار در دهان است. آفت و برفک می‌تواند سرخ و زرد و سپید و سیاه رنگ باشد.^۲

آفت‌های ساده را می‌توان با افشره غوره انگور که با شراب و سماق آمیخته و ساییده شده درمان می‌کنیم. ما برای درمان کودکان و کسانی که تن‌نمور و اندامی نازک و نرم دارند و آفت ایشان از گونه سبک است، برای درمانشان تنها به دانه و خود گل سرخ و پخته داروهای بندآورنده (قابض) بسنده می‌کنیم.^۳

آفت سپید و درمان از دیدگاه رازی

آفت سپید و چگونگی درمان از دیدگاه رازی: این گونه آفت از جنس بلغم است و پیوسته ماندگار می‌باشد.

درمان: آفت سپید را با داروهای پاک و درخشان‌کننده درمان می‌نمایم. در کودکانی که بزرگتر هستند، داروهایشان را نیرومندتر برمی‌گزینیم که بدین‌گونه به بهبودی ایشان کمک می‌کنیم. کسانی که بزرگتر شده‌اند و تنی کامل‌تر دارند را با داروهایی بسیار نیرومندتر از این داروها، درمان می‌کنیم تا به بالاترین هدفمان که درمان با زاگ است، برسیم و در این جا به درمان آن‌ها با زاگ آمیخته با شراب از گونه بندآورنده، بسنده می‌کنیم.^۴

آفت سپید را با کزمازک که میوه درخت گز است، درمان می‌نماییم.^۵

دارویی برای آفت و برفک سفید: با نمک و عسل آن را مالش می‌دهند سپس سکنجبین و یا مری در دهان نگاه می‌دارند.^۶

^۱ ابن‌سرایبون (د: ۲۵۰ ق / ۸۶۴م): ابن‌سرافیون، کنیت دو برادر یوحنا (یحیی) فرزند سرافیون و داود از پزشکان سریانی‌زبان هستند. ایشان در آغاز دولت خلیفگان عباسی می‌زیستند. نگارش‌های خود را به زبان سریانی نگاشته است. او دو کتاب خود را که به نام کناش یحیی الکبیر در دوازده گفتار و کناش الصغیر در هفت گفتار به زبان تازی برگرداند (فهرست، ۵۲۶ - ۵۲۷). وی از حنین فرزند اسحاق بسیار یاد می‌کند، گمان می‌رود مرگ وی پیرامون سال ۲۵۰ ق / ۸۶۴ م بوده باشد (تاریخ نگارش‌ها، ۲۹۹).

^۲ الحاوی، دکن، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹ - ۲۱۰. سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۱.

^۳ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۷.

^۴ سه سده دندان‌پزشکی، ذاکر، ۱۵۴؛ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹.

^۵ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۱۴.

^۶ المنصوری فی الطب، رازی، برگردان ذاکر، ۴۵۹.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

آفت سپید و درمان از دیدگاه ابوالحسن تبری

آفت سپید و چگونگی درمان از دیدگاه ابوالحسن احمد تبری (ز: ۳۵۹ق): این گونه آفت و برفک به آفت تر؛ یا نمور شناخته می‌شود و بیشتر در کودکان رخ می‌دهد که انگیزه آن ناسره‌ای و نادرستی شیر دایه می‌باشد که گواریده نمی‌شود و از معده کودک گذر نمی‌کند که در چنین هنگامی است آفت و برفک سپید رنگی، مانند آماس شل پدید می‌آید که دردی اندک دارد. بیمار برافروختگی و تشنگی ندارد. تابلو آن هم‌چون پوسته سپید رنگی است که در دهان به چشم می‌خورد. آسیب در بافت پوششی دهان پدید می‌آید.

درمان: اگر کودک شیرخوار باشد، باید به تهی‌سازی تن دایه او با پخته افتمون و پس از آن با حب ایاره بپردازند سپس او را وادار با دهان شویه کردن با عاقرقرا و مویزک بنمایند و به دنبال آن باید با دارویی که در زیر گزاره می‌شود، دهان شویه کند. **گزاره دهان شویه:** یک درم سعد، دو درم ریشه سوسن آسمان‌گون، یک درم مویزک و عاقرقرا نیم‌نیم (یک چهارم) درم، فلفل و زنگبیل از هر کدام نیم درم برمی‌گیرند و در سرکه و عسل می‌جوشانند. باید اندازه عسل به گونه‌ای آشکار باشد. نخست آن را می‌پالایند، سپس آن را با سرکه و عسل دهان شویه کنند و در خوردن، تنها به آش زیره [زیربا] بسنده کنند. گاهی بیمار واداشته می‌شود تا فلفل و عسل بر روی بافت‌های دهانی هنگامی بمالد که هنوز آفت و برفک پدید نیامده باشد. گاهی آفت را کودک شیرخوار دارد، ولی ما دهان دایه او را دارو درمانی می‌کنیم و گاهی جگر دایه را هنگامی که جگر کودک دچار گرمی شده، باید درمان کنیم؛ زیرا شیر، خوراک همه اندام‌های کودک می‌باشد. جایگاه و ارزش شیر در پستان، مانند آب نرینه در خایه است، ولی هنگامی که کودک توان خوردن داشته باشد، می‌توان عسل به او خوراند و دهانش را به آن آغشته کرد. چنانچه توان خوردن نداشته باشد باید دهانش را تنها با اندکی عسل بیالاییم. اگر بزرگان به این گونه آفت گرفتار شوند. باید به ایشان دستور داده شود تا با شراب کهنه گس با اندکی عنبر دهان شویه کنند.^۱

^۱ معالجات البقراطية، احمد تبری، ج ۲، ۲۵.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

آفت و برفک سرخ از دیدگاه رازی

آفت و برفک سرخ و چگونگی درمان آن از دیدگاه رازی: آفت و برفک سرخ‌رنگ از گونهٔ فلگمونی^۱ و رنگ زرد روشن آن از گونهٔ آتشین و سپید آن از جنس بلغم و پیوسته ماندگار می‌باشد و تیره و کدر آن از گونهٔ سودایی است. هم‌چنین گونهٔ سبز و سیاه آن که برافروختگی و دمای بالا دارد، چیرگی صفرا در آن دیده می‌شود. پس اگر گونه‌های بسیار آن را شناختید و از سوی دیگر به ارزش و توانایی داروها و کار آمدی و پیامدهای هر دارو را در هر تن؛ و یا هر اندام دست پیدا کردید، خواهید دانست که با کاربرد کدام یک از آن‌ها به درمان زودتری خواهید رسید^۲. آفت پراالتهاب و پر برافروختگی و گرم، نیاز بیشتری به داروها سردی‌زا دارد، مانند:

ترکیب این دارو: تخم گل‌سرخ، تخم رمله، عدس پوست‌کنده، نشاسته، مامیثا، صندل، سماق و اندکی کافور را برگیرند و به کار ببرند^۳.

آفت و برفک گرم و برافروخته با تخم گل‌سرخ، سماق، تباشیر، تخم رمله، برگ حنای مکه، گلنار و کافور درمان می‌شود^۴.

^۱ فُلْغَمُونِيَا: *Phlegmon; phlegmonia* (قاموس). فلغمونی، فلگمونی، آماس خونی پدیدآمده در پوست است. آماس خونی است که در مغز می‌روید (بحر الجواهر، ۲۸۶). فُلْغَمُونِيَا الحُمرة: *Erysipelatous phlegmon* (قاموس).

^۲ الحاوي، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹. سه قرن دندان‌پزشکی، ذاکر، برگه ۱۵۳.

^۳ الحاوي، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۱۳.

^۴ الحاوي، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۱۴. سه قرن دندان‌پزشکی، ذاکر، برگه ۱۵۸.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

درمان آفت و برفک سرخ: تخم گل سرخ، نشاسته، تباشیر، عدس پوست‌کنده، تخم خرفه، گشنیز خشک و سنای مکی^۱ را به یک اندازه با کمی کافور نرم کنند و با آن آفت را مالش دهند و در دهان نگاه دارند سپس باید سرکه و گلاب و پس از آن روغن گل سرخ را در دهان نگاه دارند و حجامت کنند^۲.

آفت و برفک سرخ از دیدگاه تبری

آفت و برفک سرخ و چگونگی درمان آن از دیدگاه تبری: آفت و برفک خونی گونه‌ای سوزه‌ای است که در دهان آشکار می‌شود. نمود آن با رنگ سرخ و عفونت می‌باشد که بیشتر انگیزه پدید آمدن برجستگی در پرده پوشاننده کام و دهان و زبان خواهد بود که این برجستگی به چشم می‌آید و دردناک است.

جداسازی این گونه آفت و برفک با سوزه‌های که در گذشته گزاره شدند چنین است:

سوزه‌ها جدا جدا در می‌آیند و دارای برجستگی در پرده‌های پوشاننده دهان هستند و در آغاز دچار گندیدگی نمی‌شوند، ولی این گونه سوزه از آغاز گندیده پدید می‌آید و بیشتر در بیماران تبار و کسانی که پیوسته خوراکی‌های گرم‌ازا می‌خورند و پیوسته شراب می‌نوشند، نمایان می‌شود. اختلاف این دو گونه را پیشینیان چنین می‌نویسند که خوراکی‌های گرم‌ازا به جاگذارنده آفت و برفک خونی می‌باشند^۳.

درمان: درمان آن تا آن جا که یاری دهد، خونگیری از رگ قیفال و تهی‌سازی تن با پخته دو هلیله خواهد بود. پس از تهی‌سازی تن و خونگیری از رگ قیفال است و اگر نیروی بیمار یاری دهد و یا دیگر قوانین خونگیری اجازت دهد، باید به خونگیری از دو رگ زیر زبان بپردازند، سپس بوی آفت و برفک را بررسی کنند که آیا بویی دارد؛ یا خیر؟ هر آینه بویناک باشند، باید بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با سرکه و اندکی نشادر و نمک نمایند.

^۱ سنا *Sana: Cassia angustifolia; Vahl; Senna* (قاموس). چوب مسواک، گیاهی روان‌کننده، بهترین آن مکی است. از تیره پروانه‌داران (سبزی آسها) است، از گیاهان بومی جاهای گرمسیری سودان، آسیای صغیر، عربستان و جنوب ایران است برگ‌هایی متناوب سه تا نه زوج با برگچه و بدون برگچه انتهایی، با گل‌هایی زرد و میوه نیاک و با چند دانه است؛ ۲- سنای بری (خودرو)، قدقک؛ ۳- سنای هندی (متداولترین).

^۲ المنصوري في الطب، رازی، برگردان ذاکر، برگه ۴۵۸.

^۳ معالجات البقراطية، تبری، ج ۲، ۲۵.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

اگر درمان نشود، باید زاگ بلورین و نمک را با سرکه بجوشانند و با جوشانده آن چندین بار دهان را بشویند تا پوست روی سوزه‌ها کنده شود و خونین گردد که پس از آن بیمار وادار شود با گزارهٔ داروی زیر دهان را بشوید.

گزارهٔ دهان‌شویه: گل‌سرخ و برگ‌علیق و سعد و عدس و جام‌گل آس برگیرند و با سرکه بجوشانند و بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با آن کنند. این دارو دارای ویژگی بندآورندگی کمی می‌باشد. چنانچه دیدید که سوزه‌ها درمان شدند، باید اندک‌اندک بر ویژگی بندآورندگی دارو بر پایه گفته‌های ما در گذشته هم‌چون گلنار و مازوی سبز و اندکی خرنوب و پوست انار، بیفزایند و به بیمار دستور دهند تا با آن سرکه دهان را بشوید و در دهان نگاه دارد.

باید پس از آن به بررسی آفت و برفک پس از کاربرد آن دارو بپردازند.

هر آینه خشک‌شدن و آغاز خوب‌شدن را در سوزه‌ها ببینند، باید دانست که بهبودی در راه است و چنانچه سوزه سخت شود و بیاماسد که باید آن را با داروی سردکننده زیر، سرد نمایند^۱.

گزارهٔ داروی سردکننده: برگ خشک تاجریزی یک بخش؛ گل‌سرخ، تباشیر، بزرالبقله، آرد عدس و نشاسته از هر کدام دو جزو؛ خاکستر گشنیز و سماق پاک‌شده از هر کدام یک جزو؛ بادام شیرین پوست‌کنده سه بخش؛ کافور یک‌چهارم جزو برمی‌گیرند و اندازهٔ هر جزو باید یک درم باشد و اگر بیش از آن باشد، باید اندازهٔ برداشتن کافور به گونه‌ای باشد که از اندازهٔ مجاز آن گذر نکند که به چندین انگیزه این اندازه نباید برداشت شود. همهٔ داروها را می‌سایند و آن را روز و شب در دهان می‌پاشند که آماس را فرومی‌نشانند و آن را خوب می‌کند^۲.

آفت و برفک سیاه از دیدگاه رازی

برفک و آفت سیاه‌رنگ^۳ و چگونگی درمان آن از دیدگاه رازی: دارویی آزموده و بسیار خوب برای درمان آن: کشمش بی‌هسته و انیسون و عسل را بسرشند و بر روی آفت بمالند^۴.

^۱ معالجات البقراطیة، تبری، ج ۲، ۲۴.

^۲ همان جا، ج ۲، ۲۵.

^۳ قُلاع اسود (فحمی): *Aphta wich is black like coal* (فاموس؛ مرعشی).

^۴ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۳.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

یهودی^۱ گوید: آفت‌های سیاه‌رنگ گونه‌ای از بیماری خورهٔ بدخیم می‌باشند، آن را با فلفیدیفون^۲ درمان کنید. که روش ساخت آن چنین است: دو زرنیخ [زرد و سرخ] و اقاویا و قاقله و گل‌سرخ و صندل و کافور را بسایند و بر روی جایگاه آفت سیاه‌رنگ بگذارند^۳.

آفت و برفک سیاه از دیدگاه تبری

آفت و برفک سیاه و چگونگی درمان آن از دیدگاه تبری: گونه‌ای آفت یافت می‌شود که انگیزهٔ پیدایش آن خلط سودایی سوخته و تند و تیز می‌باشد. چنانچه کودکان گرفتار آن شوند، بسیار دور خواهد بود که بهبود یابند؛ زیرا سرانجام آن، پیدایش بیماری خوره در کودکان است.

اگر این بیماری در بزرگان رخ دهد، ایشان بهبود می‌یابند؛ زیرا توانایی پذیرش سختی‌های درمان را دارند. این گونهٔ بیماری همراه با ترک‌خوردگی در بافت، درد و تیزی و گزندگی است^۴.

درمان تبری: باید تن بیمار را با پختهٔ افتیمون یک؛ یا دو بار تهی‌سازی کنند، سپس بیمار را وادارند تا به دهان خود مغز استخوان ساق گوزن؛ یا ساق گاو بدهند، اگر در دسترس نباشد، مغز گوزن (ایل) بمالند، سپس او را وادار کنند تا چندین بار پیوسته و پشت سر هم برگ حنا بچوند و پس از آن با جوشاندهٔ سرکه، سماق، گل‌سرخ، گشنیز، گلنار، آس، خرنوب و جز آن از

^۱ یهودی: ماسرجویه، ماسرجیس، پزشکی بصری پزشک اندیشمند ایرانی یهودی آیین هم‌روزگار عمر فرزند عبدالعزیز اموی (۶۸۰م) می‌زیست. وی برگردان به تازی کتاب «اهرن القس» را که کناشی نیکو و ارزنده است، را انجام داد و بر آن دو گفتار افزود و پیشکش این خلیفهٔ اموی کرد. ابن جلجل گوید: وی ریشه‌ای سریانی داشته است. او در روزگار مروان کتاب اهرن قس (هارون اسکندرانی) و ابن‌اعین را به تازی برگرداند. رازی او را یهودی خطاب می‌کند.

ماسرجویه کهنتر نیز دارای رسالهٔ فی ابدال الأدویة و مایقوم مقام غیرها، و کتاب فی الغذاء، و کتاب فی العین است. هم‌چنین ابن‌ندیم و قفطی و ابن‌ابی‌اصیبه کتاب قوی الأطعمة و منافعها و مضارها، و کتاب قوی العقاقیر و منافعها و مضارها از او یاد می‌کنند (تاریخ الحکماء، ۳۲۴ - ۳۲۵؛ تاریخ نگارش‌ها، ۲۹۳ - ۲۹۴).

^۲ بحر الجواهر، برگهٔ ۲۹۵، شناسهٔ فلدفیون.

^۳ الحاوی، رازی، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۱۱؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۷.

^۴ معالجات البقراطية، تبری، ج ۲، ۲۵.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

چیزهای بندآورنده (قابض) که به خوبی له شده‌اند، چندین بار دهان شویه کنند، انگیزه بهبودی او خواهد بود، ولی اگر عفونت بکند و بد بو شود، باید در اندیشه پیگیری درمان خوره و لثه خون چکان برای بیمار شد.

درمان کودک: بسنده است که دهان او را تنها با مغز استخوان ساق گوزن بیالیند تا بخش آسیب‌دیده سیاه‌رنگ‌شده آن پوسته‌پوسته شود و بریزد سپس در هنگام خسبیدن بر آن اندکی گل‌سرخ و گلنار و گشنیز سوخته بپاشند که این زمان، کارآمدترین گاه پاسخ درمانی خواهد بود؛ زیرا آب دهان گرد آمده از دهانش سرازیر خواهد شد. باید درمان کودک بر پایه یک درمان درست و آزموده‌شده انجام پذیرد.

همواره پزشکان به کودکانی که گرفتار این گونه آفت هستند، داروی زیر را می‌دهند که ما آن را پس از کندوکاو بسیار به دست آوردیم.

گزاره دارو: خاکستر هلیله زرد، خاکستر هسته خرما، خاکستر گشنیز، و تباشیر و گلنار را با اندازه برابر برمی‌گیرند و به کار می‌برند. این دارو در درمان آفت و برفک سیاه (قلاع الاسود) کودکان بسیار کارساز خواهد بود.

درمانی شگفت‌انگیز: بهترین درمان به کاربردن داروهای بندآورنده‌ای است که دارای ویژگی فرونشاندگی آن را داشته باشد مانند گل‌سرخ و گلنار و مازو و پوست انار و جز آن. همچنین باید به خوردن خوراکی‌هایی مانند حریره برگرفته از آرد عدس، مغز استخوان ساق گوزن؛ و یا مغز استخوان ساق گاو بسنده کند که گاهی یکی از آنها از میان دیگر داروها کارایی از میان بردن بیماری را به تنهایی خواهد داشت.

دایه کودک نیز باید همین خوراکی‌ها بخورد و همچنین اگر کودک نیز آن حریره را به همراه همه آن چه یاد کردیم، بخورد، بهبود خواهد یافت^۱.

آفت رنگ زرد روشن از گونه حمره^۲ است.

آفت تیره رنگ از گونه تلخابی است.

^۱ معالجات البقراطیة، ج ۲، ۲۶.

^۲ حمره: آماسی بود خونی و از خون گرم و بد تولد کند و قوام خون رقیق بود و باشد که اندکی به غلیظی گراید و بیشتری به آخر ریش گردد از بهر آن که ماده آن از خون بد باشد (اغراض، ۵۷۷).

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

آفت سبز و سیاه برافروختگی و دمای بالا به همراه دارد و چیرگی زرداب در آن دیده می‌شود^۱. برفک و آفت بدخیم (قُلاع الخبيث: *Malignant aphtha*) زاگ و مازو را گرد مانند، بسایند و با آن بافت‌های دهانی را مالش دهند.

شیوه کاربرد دارو: نخست انگشت را در روغن زیتون فروکنند سپس آن را به گرد به دست آمده آغشته نمایند، سپس بافت‌های دهان را با آن خوب ماساژ دهند و با زنگار و سرکه دهان شویه کنند و با مازو و سرکه دهان را مالش دهند.

داروی برای آفت‌های گود رفته و بدخیم دهان: مازریون را بسوزانند و خاکستر آن را بر روی جای دردناک و سوزه گذارند و یا مازریون را در سرکه بپزند و با آن دهان شویه کنند، بسیار سودمند است؛ البته باید بپایند که آن را قورت ندهند.

اگر آفت چرکین باشد، زاگ را با شرابی بیامیزند و با عسل به اندازه خواست خود بر آن افزوده بر آن بیفزایند؛ و یا آن را آبکی تر و یا سفت تر کنند، اندازه آن بر پایه افزایش؛ یا کاهش نیروی دارو است و بر روی زخم آفت می‌مالیم.

اگر آفت چرکین شود و دمل گردد، دیگر به آن آفت نمی‌گویند؛ بلکه زخمی عفونی می‌باشد و برای درمان آن باید داروی زخم‌های چرکین را به کار برد.

تن‌های سخت که نمود نیستند و گرفتار آفت از گونه بد آن هستند، برای درمان نیاز به داروهای نیرومندتری دارند که دارای ویژگی بندآورندگی بسیار بالا و گزندگی و نیش‌زندگی بسیار باشند^۲.

شمعون راهب (طیبویه) گوید: زخم‌ها و سوزه‌های بدخیم دهانی می‌تواند از بسیاری بخارهای برخاسته از شکمبه به دهان پدید آید^۳.

هر گاه آفت و برفکی که عفونی شده است، بد بو نیز بشود، باید آن را به گونه لثه خون‌چکان و زخم‌های چرکین درمان کنند^۴.

^۱ الحاوی، رازی، دکن، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۰۹.

^۲ الحاوی، رازی، دکن، ج ۳، برگردان ذاکر، ۲۱۲؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۷.

^۳ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۷.

^۴ معالجات البقراطیة، ج ۲، ۲۶؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۳۲۱.

زخم‌های دهانی

زخم‌های دردناک دهانی

سخن در بارهٔ انگیزهٔ پیدایش سوزه‌های دهانی می‌باشد که آن‌ها از خون تند است که با زرداب آمیخته شده است. دمای آن بالا می‌رود و بسیار دردناک خواهد بود و گاهی انگیزهٔ بازداشتن آدمی از جویدن خواهد شد. درمان‌گران آن را سوزه‌های آماسی خونی و گاهی فلگمونی نام‌گذاری می‌کنند.

درمان: پرهیز خوراکی بیمار و خونگیری از رگ قیفال است. گاهی خونگیری‌های پی در پی و به دنبال آن تهی‌سازی تن او با پختهٔ هلیلهٔ زرد برنامهٔ درمانی این گونه بیماران است سپس او را وادار به دهان‌شویه کردن چندین باره با جوشاندهٔ سرکه و عصاالرعی و ریشهٔ تاجریزی و برگ و ریشهٔ کاسنی و عدس و گشنیز خشک نماید.

اگر درد و سرخی آن فرونشست و دیگر پراکنده و پوسته‌پوسته نشود و این پوست کنده شدن از پردهٔ قرار گرفته بر روی کام و زبان شکل می‌گیرد سپس باید آن را به خوبی شکاف بدهند و با سرکه دهان را بشویند، بی‌گمان بیمار بهبود خواهد یافت^۱.

زخم‌های چرکین دهانی

انگیزهٔ پیدایش آن‌ها: گاهی زخم‌های چرکین کوچکی در دهان و زبان پدید می‌آیند که همراه درد و حدتی ویژه می‌باشند که تندی آن از بودن زرداب است که در سخنان ما از آن گزاره‌ای در آینده خواهد آمد که دربارهٔ درمان سوزه‌ها خواهد بود. هنگامی ما می‌خواهیم در بارهٔ آفت و برفک دهانی و گونه‌های آن سخن بگوییم، هیچ نیازی ندیدم که سخن در بارهٔ سوزه‌ها را زودتر آغاز کنیم؛ زیرا در بیشتر موارد این سوزه زیر گروه یکی از گونه‌های آفت و برفک (قُلاع) خواهند بود و این سوزه‌ها دسته‌ای از قلاع هستند که گرمی و گداختگی به همراه دارند و با هوا و آب سرد به آسایش دست می‌یابند و با کمک این دو دردشان نیز در جا آرام می‌گیرد. سپس چیزهایی که زمانی آب‌کنندهٔ آن‌ها بودند، دیگر نمی‌توانند آن‌ها از میان ببرند و دردشان نیز پس از کاربرد آن‌ها افزایش می‌یابد.

^۱ معالجات البقراطیة، ج ۲، ۲۱-۲۲؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۳۱۵.

درمان: خونگیری و تهی‌سازی تن با پخته هلیله زرد کابلی، تمر هندی و آلو می باشد، سپس بریدن رگ چهاروک و گذاشتن بادکش است؛ البته باید در همه مراحل درمان توانایی بیماری و قانونمندی‌های درمان‌گری برای ایشان را نازک‌بینانه دنبال کرد و پس از آن بیمار را وادار به دهان‌شویه کردن با داروی زیر نمود:

گزاره دهان‌شویه: یک کف عدس، یک کف گشنیز خشک، یک دسته جام گل عصاالرعی، یک دسته شاخ و برگ تاجریزی و یک دسته پرسیاوشان را برگیند با سرکه و آب بجوشانند و در دهان بچرخانند و زمانی نگاه دارند.

گاهی نیز تفاله‌های دارو را در دهان بگذارند که برای آرام کردن درد و فرونشاندن گرما بسیار کارساز است. با فرونشستن گرما و تاول زدن و سربازکردن سوزها، درد آرام می‌گیرد که پس از آن باید داروی سردی‌زای زیر را به بیمار بخورانند:

گزاره داروی سردی‌زا: تباشیر، بزرالبقله، گل سرخ، گلنار، نشاسته، صمغ عربی، کتیرا و خاکستر گشنیز را برگیند و نرم بسایند و بر آن اندکی کافور بیافزایند. داروی به دست آمده را بر روی زبان و جایی که سوزها در آن پدیدآمده، بپاشند و نیز در دهان نگاه دارند که دارو در دهان نرم می‌شود و درد به دنبال آن فرومی‌نشیند. باید این گرد را روزی دو تا سه بار و نیز هنگام خسییدن به کار برند.

خوراک بیمار را گونه‌ای خوراک از سماق (سماقیه)^۱ و از غوره (حصرمیه) و جز آن بگذارند.

اگر بیماری (زخم‌ها) سخت شود و دوره‌اش به درازا کشیده شود و پیچیده شود در این هنگام به آن مسامیر خواهند گفت که آن را با شکاف دادن و بریدن با آهن درمان کنند و یا با مالش دادن آن با نمک و سرکه سوزه را خون‌چکان کنند، سپس به درمان آن تنها با روغن گل سرخ می‌پردازند که بهبود خواهد یافت و گاهی می‌گندد و به آفت و برفکی که به خونی بودن شناخته می‌شود، دگرگون می‌گردد^۲.

خوره دهانی

^۱ سماقیه: آش سماق، روش ساخت: همانند آش غوره پخته می‌شود. به جای افشره غوره، آب سماق خیسانده و صاف کرده می‌ریزند و بر آن چغندر و هویج خرد شده و گوشت گرد کوچک شده (قلقلی) می‌گذارند (منصوری، برگردان ذاکر، برگه ۸۱۸). آش سماق، خوراکی برگرفته از گوشت و پیاز وتره و بادمجان و و سیر و چاشنی‌ها و ادویه و گردو است (قولنج، برگردان ذاکر، برگه ۲۱۵).

^۲ معالجات البقراطیه، ج ۲، ۲۳-۲۴؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، برگه ۳۱۵-۳۱۶.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

بیماری که به خوره دهانی شناخته می‌شود: این بیماری در گوشت لای دندان‌ها در هر بخش دهان نمایان می‌شود. تابلوی آن در دهان مانند زخمی است چرکین و سبز رنگ شده با بویی بد همراه می‌باشد که انگیزه ساخته شدن آن بودن خلط گندیده و گزنده و تند و خورنده در جای زخم می‌باشد که از سر؛ و یا دیگر اندام‌ها به گوشت‌های میان دندان‌ها سرزیر می‌شود که آن خلط‌ها را به جهت ناتوانی به خود می‌پذیرند؛ البته خوراکی‌های تند و گندیده نیز سازنده چنین خلطی می‌باشند، مانند نمک کهنه و خوراکی‌های نمک‌سود و آب‌کامه‌های کهنه و جز آن می‌باشد.

درمان: اگر نیروی بیمارهمراهی کند و هیچ فاکتور بازدارنده‌ای در راستای درمان در کار نباشد، باید در آغاز به خونگیری و تهی‌سازی تن با پخته افتیمون و پس از آن با حب ایاره؛ و یا حب صبر پردازد و بیمار پیوسته به نوشیدن آب جو و چرخاندن افشره جوشانده غوره و آب سماق و سرکه در دهان وادار شود که این درمان از پیشرفت و گسترش بیماری جلوگیری خواهد کرد، سپس به درمان ویژه آن بیماری پردازند که همان به کاربردن داروی سوتیجان می‌باشد.

گزاره داروی ترکیبی سوتیجان: یک بخش زاگ یمانی، قلقطار، قلقدیس^۱، خاکستر نمک و نشادر از هر کدام نیم درم و خاکستر مازو که در سرکه خیسانده‌اند و خاکستر کاغذ مصری و نوره آب نخورده از هر کدام یک و نیم بخش، زعفران سوخته و کندر و برگ حنا از هر کدام یک بخش برگیرند و همگی را نرم بسایند و با سرکه کهنه بسرشند و از آن قرص بسازند و بخشکانند

^۱ قلقطار *Yellow Vitriol; Ferric Oxide; Qalqatar* نام شیمیایی آن سولفات آهن است. عربان در گذشته به آن سنگ آهن، شادنج، شادنه گفته‌اند. از کانی‌ها است که به صورت توده‌های آسان‌شکن با رنگ بنفشه‌ای گراییده به زردی است اگر مدتی رها شود خرد می‌شود. پودری با رنگ سرخ تیره دارد که انگشتان را با آن رنگ می‌کنند (منصوری، برگردان ذاکر، برگه ۷۳۷). بیشتر زاگ زرد و برخی زاگ زرد به سرخی گراییده دانسته‌اند. بهترین آن بسیار ریز و براق است که مانند زرنیخ زودشکن می‌باشد (مخزن).

قلقدیس *Qalqadis White Vitriol; Ferrous sulphate*; گونه‌ای زاگ است عربان آن را ملیطن نامند و در شیمی سولفات روی (سولفات آهن) گفته می‌شود. در عمده المحتاج سه گونه گفته شده است: سپید پاک با بخش‌های یکسان جدا از هم که زاگ آساکفه خوانده می‌شود. دیگری سپید اندکی زلال درون آن به سیاهی می‌گراید و «میس» نام دارد. سومی کدرتر و سخت‌تر از دو تای دیگر است «سخیره» نامیده می‌شود. هر کدام این‌ها پخته شود، «قلقنت» می‌گردد (منصوری، برگردان ذاکر، برگه ۷۳۶). زاگ سرخ را گویند (آندراج). در ماهیت آن اختلاف نظر است بیشتر زاگ سپید که به پارسی زاگ شتردندان و شوغار و به یونانی حلقیس، برخی سرخ گروهی زرد گفته‌اند (مخزن).

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

پس از خشک کردن آن قرص را بسایند و در سرکه بخوابانند و با آن سرکه دهان شویه کنند و در دهان نگاه دارند تا گوشت آن را خونین کند و گندیدگی را از میان ببرد.

اگر داروی سوتیجان کارساز نباشد، پس باید به آن گزاره یک بخش زنگار بیفزایند، سپس به همان گونه که گفتیم، دارو را در دهان بچرخانند. اگر گوشت میان دندانی خون چکان و سرخ رنگ شود و از آن خون سرخ بترآود پس باید در این هنگام با آن چه در گذشته گفتیم، دهان را بشویند.

گزاره دهان شویه: یک دسته جام گل آس و یک دسته پودنه رودخانه‌ای، و گلنار و کزمازک و عاقرقرا و مازوی سبز و پوست انار از هر کدام به اندازه نیاز بگیرند و با آب و سرکه به گونه‌ای بجوشانند تا به انبستگی و غلظت بالا برسد و پرمایه و سنگین گردد، سپس با آن دهان را بشویند تا بیماری را بهبود ببخشد و گوشت میان دندانی را نیرومند شود. اگر اندکی از بیماری به جا بماند، باید این پودر را به کار برند.

گزاره داروی گردگونه [سفوف]: یک بخش توتیا، راتینج، کندر، گلنار و سپیدآب سربی از هر کدام نیم بخش بگیرند و بسایند و الک کنند و بر روی جاهایی که از بیماری به جا مانده، بپاشند. اگر انجام این درمان دشوار و بیماری رو به سخت‌تر شدن برود، باید در اندیشه به کاربردن قلقدیون و مالش پیوسته آن‌ها است تا آن که بیماری ریشه‌کن شود، سپس درمان بیماری را با دهان شویه کردن با سرکه آس دنبال کنند که از جوشاندن آس و گلنار با سرکه به دست می‌آید و اگر اندکی از بیماری به جا ماند، باید بر روی آن گردی که پیش از این گزاره کردیم بپاشند.

اگر درمان رو به دشوار شدن گذاشت، باید بر روی آن پودری بپاشند که به آن سنگ مسن گویند و از سرزمین حجاز آورده می‌شود و اگر درمان باز هم سخت‌تر شود، آب نمک کهنه را بگیرند و با آن دهان را بشویند و در دهان نگاه دارند که برای درمان زخم‌های چرکین و خوره آزموده شده است و تنها بدی آن پیدایش درد سخت می‌باشد.

باید پس از آن با سرکه آس، دهان را بشویند سپس با آب نیمه گرم و پس از آن با آب سرد و به دنبال آن با روغن گل سرخ دهان را بشویند. این افزایش و یا کاهش اندازه درمان بستگی به سن و آمیزه بیمار (مزاج) دارد^۱.

^۱ سه قرن دندان پزشکی ایران، ذاکر، ۳۱۶.

داروهای تکی کاربردی در درمان آفت و برفک دهان

حنا: سرد است، برای درمان آفت و برفک دهان و جای سوختگی پدید آمده از آتش خوب است.^۱

تباشیر^۲: سرد است. برای فرونشاندن تب داغ و تشنگی و بالآوردن و برای بیرون‌راندن پس‌مانده زردابی و تپش‌دل و برفک دهان خوب است.^۳

گاوزبان^۴: برای درمان ترس و تپش‌دل و برفک دهان خوب است.^۵

عاقِرِ قرحا: برای درد دندان و آفت و جوش‌های دهان کارا است.^۶

ضُرو: برای درمان شکمروش جوش و برفک دهان بسیار سودمند است.^۷

^۱ المنصوري في الطب، برگردان ذاکر، برگه ۲۱۶.

^۲ طباشیر (Tabāshīr): *Tabasheer, bamboo concretion ; Bambusa arundinacea Willd* (قاموس). گیاه دارویی، تازی شده تباشیر است. نویسنده منهای گوید: ریشه سوخته (خاکستر) قنی. سیدی گوید: سوزانده آن چه در درون قنی هندی است و یا به جا مانده سایش آن و یا خاکستر استخوان فیل است که نیروبخش دل و شکمبه و از میان برنده نوری آن‌ها و درمان کننده آفت و برفک دهان و آرام‌بخش بالآوردن و آماس گرم چشم و استوار کننده دندان جنیان و لثه خون‌چکان است. چنانچه آن را به همراه دهانشویه‌ها به کار ببرند در درمان تپش دل از گرمی و ترس و واهمه و اندوه و بیهوش شدن از سرازیر شدن زردآب به شکمبه و بند آوردن شکمروش سودمند خواهد بود (بحر الجواهر، ۲۴۴).

^۳ المنصوري في الطب، برگردان ذاکر، برگه ۲۱۷.

^۴ لسان الثور *Lesan -al- thaur Borage; Onosma brateatum* (قاموس). گیاهی علفی که در پارسی گاوزبان گویند. گونه‌ای از مرو و گونه ارزشمندتر آن خراسانی یا شامی است. دارای برگی پهن، دراز اندکی سیاه رگه میانی فرورفته‌تر از دیگر جاهای رویه برگ می‌باشد. طبیعتی نزدیک به میانه دارد. سردی آن اندک و در آخر یکم و تری آن کمتر، گویند سرد و نمور در سوم است. سوخته آن درمان‌گر آفت کودکان و برافروختگی‌های دهان و دل‌انگیز و نیروبخش آن و برای بیماری‌های تلخابی و تپش دل و زبری سینه، سرفه، تنگی نفس و ترس و برفک دهان خوب است. اندازه خوراکی آن دو درم و جایگزین آن ابریشم سوخته و چهار دانگ وزن آن پوست اترج و یا بادرنوبیه و کاسنی می‌باشد (اختیارات، ۳۹۶).

^۵ المنصوري في الطب، برگردان ذاکر، برگه ۲۲۰؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، برگه ۲۲۶.

^۶ همان جا، برگه ۲۲۴؛ همان جا، برگه ۲۲۶.

^۷ همان جا، برگه ۲۳۱؛ همان جا، برگه ۲۲۷.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

رگ‌زنی (فصد) و بادکش‌گذاری (حجامت)

برای درمان کسانی که آفت، برفک، جوش (قلاع) و زخم‌هایی بر روی لثه بسیار دارند پس از خون‌گرفتن از رگ قیفال (Cephalic V.)، از رگ چهاروک (چهار رگ پیرامون لب) خون می‌گیرند.

خون‌گیری از زیر چانه برای درمان برفک دهان و لثه عفونی و آن‌چه بیماری دهان باشد، سودمند است.

خون‌گیری از ساق پا انباشتگی رگ‌ها را نیرومندانه می‌کاهد و برای دردهای کهنه‌گرده و زهدان و پیشابدان سودمند است و خون ماهانه را می‌ریزند ولی فرساینده تن می‌باشد و در بسیاری از افراد به همراه حجامت بیهوشی نمایان می‌شود و این برای کسانی که در رخساره و دهانشان کورک و دمل بسیار پدید می‌آید، سودمند است.^۱

درمان‌های فراگیر

زخم‌هایی که در دهان پدید می‌آیند به جهت گرمی و نموری که دهان دارد به تندی گندیده می‌شوند، از این‌رو باید برای درمانشان از داروهای نیرومند بهره برد و گاهی درمان به جایی می‌رسد که به داغ کردن زخم‌ها نیز نیاز می‌شود.^۲

گاهی گونه‌ای از آفت و برفک است که در کودکان پدید می‌آید، درمان آن، درمان دایه شیرده است و درمان کودکان شستشوی دهان با سرکه و مالیدن روغن گل‌سرخ بر روی سوزدها و به کار بردن داروهای سردی‌زای کافوری و پاشیدن اندکی از آن در دهان می‌باشد. این گونه آفت و برفک درمان زود هنگامی را به دنبال دارد و به تندی از دهان کودکان دور خواهد شد. انگیزه رویداد آن در گذشته یاد شد جز این که نیروی انگیزه پیدایش آن در دایگان شیرده نیرومندتر است و خون ایشان را تباه می‌سازد. از این‌رو شیر ایشان دچار دگرگونی خواهد شد و به دنبالش، آن‌چه باید رخ دهد، برای کودک پیش خواهد آمد؛ زیرا کودک آن شیر تباه‌شده را خواهد خورد و بیمار خواهد شد.

^۱ المنصوري في الطب، برگردان ذاکر، برگه ۳۸۱؛ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، برگه ۲۳۴.

^۲ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، ذاکر، ۱۵۲؛ حاوی، برگردان ذاکر، ج ۳، ۲۰۷.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

دایهٔ شیرده باید از خوردن هر خوراک پلشت دوری ورزد و تنها به خوردن مزورات^۱ مانند خوراک ساخته‌شده از سماق و غوره بسنده کند تا شیر او خوب شود و دارای چگونگی نیک و سردی‌زا باشد تا گرمی کودک را فرونشاند^۲.

^۱ مزورات: در مفید العلوم نوشابه‌ای شیرین است برای کسانی که نوشابه‌های الکلی نمی‌نوشند و ریشهٔ واژه برگرفته از فریب و آرایش دروغین است. «مزورات من الطبیخ» دانه و سبزی‌های گوناگون که بی‌گوشت بپزند (المنصوري، برگردان ذاکر، برگهٔ ۶۲۶).

^۲ سه قرن دندان‌پزشکی ایران، برگهٔ ذاکر، ۳۱۸ - ۳۱۹.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

کتاب‌نامه

نمایه کتاب و مقاله

إخبار العلماء بأخبار الحكماء یا تاریخ الحكماء، قفطی، جمال‌الدین (۵۶۳ - ۶۴۶ق)، به کوشش دکتر بهین‌داری، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷خ.

أغراض الطیبة و المباحث العالییة، اسماعیل جرجانی (د: ۵۳۱ق)، پژوهش حسن تاج‌بخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
آفت و هر گونه زخم دهانی در متون پزشکی کهن، پیام بهارستان، ویژه تاریخ پزشکی، فصل‌نامه اسناد و مطبوعات و متون، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، سال دوم، ویژه تاریخ پزشکی، پاییز ۱۳۸۹خ، ۱۴ برگه، ۹۵۰ - ۹۶۳.

بحر الجواهر فی حلّ لغات السائر، محمد هروی فرزند یوسف (ز: ۹۳۸ق)، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۸۸ق.

تاریخ نگارش‌های عربی، فواد سزگین، ج ۳، برگردان خانه کتاب چ تهران، ۱۳۸۰خ.

تفاسیم العلل، التقسیم و التشجیر، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، پژوهش دکتر صبحی محمود حمادی، معهد التراث العلمي العربي، حلب، سوریه، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م؛ بخش دندان‌پزشکی نک: کتاب سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، برگه ۲۴۰ - ۲۵۰.

حاوی فی الطب فی أمراض الأذن و الأنف و الأسنان، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، کتاب سوم بیماری‌های گوش و بینی و دندان، دست‌نویس کتابخانه پهلوانی و اسکوریال، وزارت فرهنگ هندوستان در چاپخانه مجلس دایره‌المعارف عثمانی، حیدرآباد، دکن، هند، ۱۹۵۵م - ۱۳۷۵ق؛ بیماری‌های گوش، بینی و دندان، برگردان به پارسی محمد ابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱خ.

رسالة فی ذکر القارورة، ابوالحسن تبری احمد فرزند محمد (ز: ۳۵۹ق).

علاج الأطفال، و مقالة فی طب العین، و کتاب الفصد است (تاریخ نگارش‌ها، ۴۳۴). کناش یحیی‌الکبیر، ابن‌سرافیون

ابن‌سرافیون (د: ۲۵۰ق / ۸۶۴م)، یوحنا (یحیی)

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

فردوس الحکمة في الطب، علی فرزند سهل ربن تبری (ز: ۲۳۶ق)، پژوهش عبدالکریم سامی جندی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲م / ۱۴۲۳ق؛ فردوس برگردان محمدابراهیم ذاکر و علینقی منزوی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

فرهنگ آندراج محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیر سیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵ خ.

قاموس القانون في الطب (معجم المصطلحات الطبية و الادوية المفردة المستعملة في القانون في الطب ابن سینا)، فرهنگ لغات قانون في الطب ابن سینا، عربی - انگلیسی، حکیم عبدالحمید، حکیم کبیرالدین، حکیم عبدالوهاب ظهوری، دکتر محمد عبدالعزیز، حکیم فضل الرحمان، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، بازنگری ۱۹۹۸م.

قانون في الطب، ابن سینا، حسین فرزند عبدالله (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، داراحیاء التراث العربی؛ هم‌چنین بهره‌وری از برگردان عبدالرحمان شرفکندی، سروش، چاپ پنجم، ۱۳۶۸خ.

قولنج، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، پژوهش صبحی حمّامی، حلب، ۱۹۸۳م، برگردان محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۵خ.

قوی الأطعمة و منافعها و مضارها، ماسرجویه (ز: ۶۸۰م) کتاب

قوی العقاقیر و منافعها و مضارها، ماسرجویه (ز: ۶۸۰م)

کامل الصناعة الطبية، علی اهوازی فرزند عباس زرتشتی (ز: ۳۷۵ق)، ابوالعینین احمد افندی، چاپ بولاق مصر، رجب ۱۲۹۴ق / ۱۸۷۷م. دانشگاه فرانکفورت، آلمان، ۱۹۹۶م/۱۴۱۷ق.

کتاب سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹خ.

کتاب في العين، ماسرجویه (ز: ۶۸۰م)

کتاب في الغذاء، ماسرجویه (ز: ۶۸۰م)

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

- کناش الصغیر، ابن سرافیون ابن سرابیون (د: ۲۵۰ ق / ۸۶۴ م)، یوحنا (یحیی)
- گروه‌بندی و تشخیص افتراقی بیماری‌ها (تقاسیم العلل، التقسیم و التشجیر)، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵ - ۹۲۵ م)، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، زیر نظر حسن اتوکش، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، ۱۴۰۰ خ.
- لغت‌نامه، دهخدا علی اکبر دهخدا (د ۱۳۳۴ خ)، چ تهران (۱۳۲۵ - ۱۳۴۶ خ) و CD .
- متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران، غلامرضا امین، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، ۱۳۸۴.
- معالجات البقراطیة، ابوالحسن طبری، سده چهارم، کتاب یکم و دوم، پژوهشگر فواد سزگین، ۱۹۹۰ م = ۱۴۱۰ ق، چاپ فرانکفورت - آلمان، فاکسمیله از دست‌نوشته کتابخانه ملک - تهران، شماره ۴۴۷۴.
- معجم مرعشی الطیبی الکبیر (عربی - انجلیزی)، دکتر محمد اسامه مرعشی، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۵ م.
- مفردات مخزن الأدویة، عقیلی محمدحسین خان علوی فرزند محمدهادی خراسانی شیرازی، سده ۱۲ ق، تهران، افست چاپ سنگی، ۱۳۷۱ خ (مخزن)؛ پژوهش علی موحد ابطحی، حبل المتین، قم، ۱۴۲۲ ق. ← (مخزن).
- مفید العلوم و مبیید الهموم، ابن حشا، پژوهش جورج کولان و ب. ج. رینو، رباط ۱۹۴۱ م.
- منجد في اللغة و الأعلام، لويس معلوف (۱۸۶۷ - ۱۹۴۶ م)، چ اول بیروت، ۱۹۳۷ م و CD .
- المنصوري في الطب، محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵ - ۹۲۵ م)، پژوهشگر دکتر حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیة، کویت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م، برگردان محمدابراهیم ذاکر، موزه تاریخ پزشکی ایران وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، ۱۳۸۷ خ.
- هدایة المتعلمین في الطب، ابوبکر ربیع فرزند احمد اخوینی، بخاری، جلال متینی، چاپ دوم، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱ خ.

آفت و هر گونه زخم دهانی در متون
پزشکی کهن

ذاکر
دکتر محمدابراهیم